



سال نهم - شماره ی سی و دوم - پاییز ۱۳۹۸

صص ۱۹۰-۱۵۳

شناسایی مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی و بررسی نقش آنان بر توانمندسازی کودکان کار و خیابان

عالیه شکر بیگی^۱، پرینا فراهانی^۲

چکیده

بروز آسیب‌های اجتماعی گوناگون و فقدان برنامه‌ریزی‌های کلان در کشورها، امکان ادامه روند رشد طبیعی و زندگی برای برخی از کودکان را مختل و جوامع را با پدیده نوظهور کودکان کار و خیابان روبرو ساخته است. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی، در پی تبیین نقش آن بر توانمندسازی کودکان کار و خیابان بر مبنای مطالعه‌ای توصیفی-همبستگی بوده است. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران و کارکنان ستادهای توانمندساز شهر تهران^۳ است که تعداد ۶۰۰ نفر می‌باشد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه ۲۷ سوالی است که روایی آن به دو روش محتوایی و سازه و پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ (۰/۹۳۵) تأیید گردیده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار Amos 21 و به روش مدلسازی معادلات ساختاری انجام شده است. نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌های پژوهش نشان داد که کارآفرینی اجتماعی به شکل مستقیم بر ارتقاء توانمندی‌های

۱- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ashekarbeugister@gmail.com

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی karafarini2011.farahani@gmail.com

۳- قلمرو موضوعی این پژوهش در دو حوزه کارآفرینی اجتماعی و توانمندسازی کودکان کار و خیابان می‌باشد. و قلمروی مکانی آن ستادهای توانمندسازی و سازمان‌های مردم‌نهاد در شهر تهران می‌باشد.

کودکان کار و خیابان تأثیرگذار است. همچنین در بین مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی مؤثر در توانمندسازی کودکان کار-خیابان، مؤلفه «اصول اساسی کارآفرینی اجتماعی» با ضریب رگرسیون $0/831$ و مؤلفه «برنامه‌های کارآفرینانه اجتماعی» با ضریب رگرسیون $0/691$ به ترتیب بیشتر و کمتر از سایر مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی بر توانمندسازی کودکان کار-خیابان در ستادهای توانمندساز تأثیرگذار بوده است.

کلید واژه‌ها: «کارآفرینی اجتماعی»، «کودکان کار و خیابان»، «توانمندسازی»، «سازمان‌های مردم نهاد»، «مدلسازی معادلات ساختاری»

۱- مقدمه

کودکان و جوانان سهم چشمگیری در دنیای امروز دارند و میزان رشد و بقای هر جامعه وابسته به رسیدگی و تربیت صحیح این افراد می‌باشد. لذا حفظ حقوق و توسعه فردی و اجتماعی و فراهم آوردن زمینه رشد همه جانبه این گروه از جامعه از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. در این صورت است که کودکان می‌توانند مراحل کودکی خود را به سلامت طی نموده و در زمینه‌های مختلف اجتماعی، تحصیلی و حرفه‌ای برای زندگی آینده آمادگی کامل را کسب نمایند (لین، ۲۰۱۵). اما در این بین به دلیل بروز پاره‌ای از مسایل و نابسامانی‌های اجتماعی و پدیده‌هایی هم چون فقر، حاشیه‌نشینی، نابرابری‌های اجتماعی، جنگ، مهاجرت و غیره برخی از کودکان در جوامع از امکان ادامه روند رشد طبیعی و زندگی باز می‌مانند و به ناچار در شهرهای بزرگ و مکان‌های پرتردد به کار و یا زندگی در خیابان رو می‌آورند (کاسا کبده، ۲۰۱۵). این نوع زندگی، آنان را در معرض مخاطرات بسیاری چون سوء تغذیه، محرومیت از تحصیل، محرومیت از بهداشت و سلامت، استثمار، سوء تغذیه و مرگ قرار داده و از طرفی جامعه را نیز دچار مخاطرات و آسیب‌های اجتماعی می‌کند (زندى مهر، ۱۳۸۰).

در این راستا، مسائل و آسیب‌های اجتماعی ناشی از تحولات سریع جوامع انسانی از موضوعات مهمی است که همواره ذهن جامعه‌شناسان و اندیشمندان اجتماعی را به خود مشغول داشته است. تحولات اجتماعی شتابانی همچون رشد سریع جمعیت، رشد سریع

صنعتی شدن و شهرنشینی، جایجایی توده‌های وسیع جمعیت و مهاجرت به شهرهای بزرگ، شکاف طبقاتی در کلان شهرها، دگرگونی در ساخت و کارکرد خانواده، و... تنش‌های اجتماعی و پیامدهای اجتماعی ناگواری را در زندگی شهری رقم زده است (شکوری، ۱۳۹۳) و باعث شده برخی اقشار و گروه‌های اجتماعی در معرض آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به سایرین قرار گیرند (احمد بهات و همکاران، ۲۰۱۴). یکی از این گروه‌های آسیب‌پذیر، کودکان و نوجوانان هستند. بروز و گسترش پدیده کودکان خیابانی می‌تواند پیامدهای زیان‌بخش و جبران‌نشدنی در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، فردی، اجتماعی، خانوادگی و انسانی برای جامعه داشته باشد (اسفندیاری، ۱۳۹۲). این پدیده بعنوان معضلی اجتماعی که هم خود مصداق آسیب اجتماعی است و هم زمینه‌ساز افزایش و گسترش آسیب‌های اجتماعی، در جوامع امروز مطرح است. آثار زیانبار این آسیب‌ها تنها به دوران کودکی منحصر نمی‌شود بلکه تا بزرگسالی نیز ادامه می‌یابد و جامعه را از وجود انسانهای کارآمد و شایسته محروم می‌سازد (شکوری، ۱۳۹۳). در این راستا با توجه به ناتوانی دولت‌ها در حل مشکلات فزاینده‌ی کودکان کار و خیابان، در سال‌های اخیر بخش قابل توجهی از سازمان‌های مردم‌نهاد با هدف توانمندسازی آنان شکل گرفته‌اند (حسینی، ۱۳۸۴).

بررسی مطالعات موجود در این حوزه مشخص می‌نماید که عوامل متعددی بر توانمندسازی افراد در اقشار مختلف جامعه تأثیرگذار می‌باشد. از جمله این عوامل می‌توان به کارآفرینی اجتماعی اشاره نمود. کارآفرینی اجتماعی که امروزه با مفهوم ماموریتی اجتماعی و انسان دوستانه از طریق فعالیت‌های مختلف کسب و کار مدنظر قرار می‌گیرد، به عنوان یکی از راه کارهای حل برخی مسائل و آسیب‌های اجتماعی شناخته است (اشمیتز، ۲۰۱۵) که به شناخت، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌هایی که به تولید ارزش اجتماعی منتهی می‌شوند و در نقطه مقابل ثروت فردی و شخصی قرار می‌گیرد می‌پردازد و به تأمین نیازهای اولیه و مهمی چون غذا، آب نوشیدنی، سرپناه، برخورداری از تحصیلات و خدمات بهداشتی و درمانی که نیاز هر انسانی در جوامع

انسانی است، اشاره دارد (اسدی و همکاران، ۱۳۹۰). از این رو فعالیت‌های کارآفرینان اجتماعی در قبال کودکان و نوجوانان طیف بسیار گسترده‌ای را شامل می‌شود که ممکن است در محیط‌های ویژه‌ای اعم از خانواده، اجتماع، مدارس و موقعیت‌های تضادانگیز صورت بگیرند (کاسا بده، ۲۰۱۵).

در این راستا تحقیقات مازومدار و احمد (۲۰۱۵)، محمدی و لشکرآرا (۱۳۹۱)، اسدی و همکاران (۱۳۹۰)، نلسون (۲۰۰۰) و آنیل آتوا و جاوید حیدر (۲۰۰۶) وجود عوامل مختلف از جمله کارآفرینی اجتماعی در راستای توسعه توانمندی‌های افراد را ضروری دانسته‌اند. علاوه بر این تحقیق طباطبایی و همکاران (۱۳۸۹) و گزارش یونیسف (۲۰۰۷) نیز مؤید بر نقش مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی در توسعه توانایی‌های شهروندان و جوانان می‌باشد.

همان طور که گفته شد به دلیل گستره کودکان در وضعیت دشوار و عدم توان یا ناکارآمدی سازمان‌های دولتی در رفع این مشکل، امروزه تعداد زیادی سازمان مردم نهاد با انگیزه‌های انسان دوستانه به وجود آمدند که به صورت حرفه‌ای بر روی موضوعات مرتبط با کودکان نیازمند متمرکز شدند و از زاویه‌های گوناگون به آسیب‌های اجتماعی مبتلا به این قشر از جامعه می‌پردازند (شکوری، ۱۳۹۳). در سال‌های اخیر به ویژه در شهرهای بزرگ از جمله تهران، علی‌رغم فعالیت سازمان‌های ذیربط مانند سازمان بهزیستی کشور، شهرداری‌ها، نیروی انتظامی و غیره در سازماندهی متعدد آنها، رشد قارچ گونه این نوع کودکان به یک مسأله اجتماعی مبدل شده است (اسدی و همکاران، ۱۳۹۰). با توجه به ناکارآمدی سیاست‌های مرسوم در نگهداری و حمایت از آنها در مؤسسات خاص وابسته به بخش‌های دولتی، ضرورت ورود سازمان‌های مردمی و غیر دولتی را در کشور به حوزه کودکان به وجود آورده است (جامخانه و همکاران، ۱۳۹۰).

مسئله بودن بحث از آنجا ضرورت می‌یابد که: موضوع کودکان کار همواره به دلیل چند متولی بودن از شرایط مساعدی برخوردار نمی‌باشد، در شرایط حاکم بر کشور ما این پدیده با همکاری سازمان‌ها و نهادهای متولی نظیر سازمان بهزیستی، شهرداری،

نیروی انتظامی، آموزش و پرورش و وزارت بهداشت و درمان با یکدیگر و با همکاری سازمان‌های مردم نهاد فعال در حوزه آسیب‌های کودکان و همچنین حمایت بخش خصوصی میسر خواهد بود (حسینی، ۱۳۹۱). از این رو توانمندسازی کودکان کار از جمله اقدامات اجتماعی است که می‌تواند منافع بسیاری به دنبال داشته باشد که مبتنی بر سه محور آموزش کودکان در زمینه‌های مورد نیاز، حمایت از این کودکان در حوزه‌های مختلف و مشارکت کودکان در روند توانمندسازی آنان می‌باشد (کاسا کبه، ۲۰۱۵). بنابراین شایسته است با رویکرد مبتنی بر کمک به کودکان خیابانی، با شناخت واقعیت‌های زندگی آنان و با استفاده از تجربیات موفق سایر کشورها و همکاری سازمان‌های ذی‌ربط، برنامه‌ای مفید و عملی تدوین و اجرا شود، به طوری که شرایطی فراهم شود تا کودکانی که مجبورند برای کمک به تأمین معاش خانواده کار کنند، از کارهایی که به لحاظ جسمی و روحی به آنان آسیب وارد می‌کند، دور بمانند (حسینی، ۱۳۸۵). با توجه به مسائل بیان شده ضرورت نیاز به مؤسسات و نهادهای اجتماعی برای ایجاد بستری بمنظور رشد و تکامل بهنجار این کودکان، رعایت حقوق، تغییر شرایط دشوار زندگی و ایجاد امید در آنان بر کسی پوشیده نیست. بنابراین به کارگیری فعالیت‌های کارآفرینانه اجتماعی و پیاده‌سازی آن در جامعه گامی است در جهت توانمندسازی کودکان کار و هدایت توانمندی‌ها و استعدادهای آنان در زمینه‌های مختلف.

پیشینه‌ی تحقیق

پیشینه تحقیقات داخلی و خارجی:

در راستای غنی‌سازی موضوع پژوهش، در ادامه تحقیقات انجام شده در حوزه کارآفرینی اجتماعی و توانمندسازی کودکان کار و خیابان در داخل و خارج از کشور به اختصار مطرح گردیده است.

- تحقیقات داخلی

- مرجانی و صدری (۱۳۹۳)، در تحقیق خود به بررسی «توسعه کارآفرینی اجتماعی،

آسیب‌ها، عوامل مؤثر و راه‌کارها» پرداختند. هدف از این تحقیق، بررسی وضعیت کارآفرینی اجتماعی در یکی از مناطق شهری شهر تهران بر اساس طرح پژوهش آمیخته (کمی و کیفی) انجام گرفته است. برای دستیابی به اطلاعات و داده‌ها، ابزار پرسشنامه، مصاحبه با گروهی از کارشناسان و متخصصان، به کار گرفته شده است. با توجه به این که بسیاری از مسائل و آسیب‌های اجتماعی ریشه در بیکاری و عدم اشتغال افراد جامعه دارد، توجه به مقوله کارآفرینی اجتماعی می‌تواند تا حد زیادی آسیب‌های اجتماعی را تحت‌الشعاع قرار داده و آن‌ها را کاهش دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فقر، اعتیاد، خرید و فروش مواد مخدر، تکدی‌گری، طلاق، خانواده‌های بی‌سرپرست، کودکان کار، کودکان خیابان، کارتن‌خوابی و نزاع را به عنوان آسیب‌های مهم اجتماعی منطقه تأیید کرد و کارگران فصلی ساماندهی نشده و حاشیه‌نشین را به عنوان آسیب‌های مهم منطقه تأیید نکرد.

- قنبری (۱۳۹۳)، در پایان نامه کارشناسی ارشد خود به «بررسی مولفه‌های اثرگذار بر کارآفرینی زنان روستایی» پرداخته است. این پژوهش با هدف بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کارآفرینی زنان روستایی بخش مرکزی شهرستان ابرکوه، صورت گرفته است. این پژوهش بر مبنای هدف در زمره تحقیقات کاربردی و بر مبنای ماهیت و روش از نوع پژوهش‌های توصیفی تحلیلی است و بخش‌هایی نیز از روش همبستگی استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بوده که روایی آن توسط استادان راهنما و مشاور و کارشناسان مربوطه مورد تأیید قرار گرفت. پایایی پرسشنامه به کمک ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید که بیانگر پایایی مطلوب می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان کارآفرین بخش مرکزی می‌باشد که تعداد آنها ۲۵۰ نفر می‌باشد که به صورت تمام شماری انجام گرفت. یافته‌های تحقیق در بخش تحلیل همبستگی بیانگر آن است که بین ویژگی‌های فردی (سن، خلاقیت، مهارت، تعداد اعضای خانواده و ...) و عوامل کارآفرینی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که بین تجربه کارآفرینی و عوامل کارآفرینی زنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین منابع کسب اطلاعات کارآفرینی و گرایش به کارآفرینی زنان روستا نیز

رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تجربه کارآفرینی، ویژگی‌های فردی و منابع کسب اطلاعات کارآفرینی به ترتیب اهمیت در گرایش به کارآفرینی زنان روستا مؤثر می‌باشند.

- کمانکش (۱۳۹۳) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی «عوامل مؤثر بر کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های ورزشی استان مرکزی» پرداخته است. کارآفرینی اجتماعی به معنی بکارگیری فرآیندهای نوآورانه برای ایجاد ارزش اجتماعی در جامعه است. با ورود سازمان‌های ورزشی به کارآفرینی اجتماعی، این سازمان‌ها می‌توانند به عنوان بازوی دولت در حل معضلات اجتماعی به صورت یک کارآفرین اجتماعی عمل کنند و با یک رویکرد خلاقانه نیازهای پیچیده اجتماعی را شناسایی و حل نمایند. این تحقیق توصیفی و با هدف اصلی بررسی عوامل مؤثر بر کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های ورزشی استان مرکزی انجام گرفته است.

- اسفندیاری (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی «کارکرد کارآفرینی اجتماعی در توانمندسازی و بهسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی» پرداخته است. وجود سکونتگاه‌های غیررسمی یک مشکل برنامه‌ریزی به شمار می‌آید. در تهران هم این مسئله کاملاً مشهود و قابل درک است. این مشکل زمانی بروز می‌نماید که ساختار فضایی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و... برخی از نواحی یک شهر تفاوت‌های بارز و آشکاری را پیدا کنند، تفاوت‌هایی که نیاز به تدوین راه‌حل‌های برنامه‌ریزی متفاوتی داشته تا بتواند جوابگوی هدف والای ایجاد عدالت فضایی در یک شهر باشد، از جمله مهم‌ترین این تفاوت‌ها می‌توان به نابرابری‌های اقتصادی در بین نواحی یک شهر اشاره نمود که نقش انکار ناپذیری بر ساختار فضایی آن خواهد داشت. در این تحقیق سعی شده است با استفاده از کارکرد و مفهوم کارآفرینی اجتماعی به یکی از بزرگترین معضلات شهری که همان سکونتگاه‌های غیررسمی هستند از دیدگاه توانمندسازی ساکنان آنها پردازد. از جمله موضوعات کارآفرینی که در حوزه شهری کاربرد وسیعی دارد و می‌تواند به یک شیوه عمل و به عنوان یکی از کارکردهای مسیر توسعه تلقی گردد، کارآفرینی اجتماعی می‌باشد.

- ملکی (۱۳۹۲)، در پایان نامه کارشناسی ارشد خود به «بررسی کارآفرینی اجتماعی دانشجویان کشاورزی با تاکید بر سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: دانشجویان کارشناسی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی استان کرمانشاه)» پرداخته است. کارآفرینی اجتماعی مبحث جدیدی است که به تازگی وارد محافل علمی شده و با رویکرد کارآفرینی و با تکیه بر سرمایه اجتماعی، می‌تواند نقش موثری در حل معضلات اجتماعی داشته باشد. در این میان دانشگاه‌ها نیز می‌توانند در تربیت کارآفرینان اجتماعی نقش به‌سزایی داشته باشند. به منظور دستیابی به اهداف تعیین شده برای تحقیق حاضر که جزء تحقیقات کاربردی می‌باشد از روش تحقیق توصیفی و به روش همبستگی انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق را دانشجویان مقطع کارشناسی همه گرایش‌های پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی شهرستان کرمانشاه تشکیل داده است (N=۱۰۹۶)، که ۲۸۲ نفر از آن‌ها به عنوان نمونه به روش تصادفی چند مرحله‌ای با انتساب متناسب انتخاب شدند.

- رضایی، صفا و صفری (۱۳۹۱) در تحقیق خود به «بررسی مولفه‌های کارآفرینی اجتماعی در تعاونی‌های توسعه روستایی شهرستان زنجان بر مبنای مدل معادلات ساختاری (مورد مطالعه: تعاونی نیک پی)» پرداختند. این تحقیق از نوع توصیفی همبستگی و با هدف بررسی مولفه‌های کارآفرینی اجتماعی در تعاونی‌های توسعه روستایی - شهرستان زنجان انجام گرفت. جامعه آماری این پژوهش را تمامی اعضای تعاونی توسعه روستایی نیک پی در شهرستان زنجان تشکیل می‌دادند N=۱۷۱ که بر اساس فرمول کوکران، ۹۵ نفر از آنان از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده گردید. به منظور شناسایی عامل‌های مرتبط با سازه مولفه‌های کارآفرینی اجتماعی از تحلیل عاملی اکتشافی و برای بررسی شاخص برازش نیکویی مدل تحقیق از تحلیل عاملی تاییدی و مدل معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان داد که پنج عامل ریسک‌پذیری و پیشگامی، نوآوری، ایده‌یابی و تشخیص فرصت‌ها، ساختار و فضای کارآفرینانه و برنامه‌های

کارآفرینانه در حدود ۶۸/۶۶ درصد از واریانس کل مولفه‌های کارآفرینی اجتماعی در تعاونی توسعه روستایی نیک پی را تبیین می‌نمایند.

- سجاسی (۱۳۹۱) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود به «بررسی تاثیر کارآفرینی اجتماعی بر کیفیت زندگی: مطالعه موردی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش موسسه ی مهرآفرین پناه عصر» پرداخت. در مباحث توسعه و توسعه پایدار، سطح کیفیت زندگی افراد جامعه از اهمیت فراوانی برخوردار است. دستیابی به توسعه پایدار و مفاهیم مرتبط با آن نظیر توسعه انسانی، و توسعه اجتماع محور، بدون در نظر گرفتن مفهوم کیفیت زندگی میسر نیست. در این ارتباط، کیفیت زندگی هم درونداد توسعه و هم برونداد توسعه است. حال برای دستیابی به کیفیت زندگی مطلوب در سطح جامعه ابتدا باید موانع آن را شناسایی و رفع کرد. در این راستا، مقابله با آسیب‌های و مسائل اجتماعی کمک فراوانی در ارتقاء سطح کیفیت زندگی خواهد نمود. در زمینه‌ی حل مسائل اجتماعی، کارآفرینی اجتماعی رویکرد نوظهوری است که بین فرایندهای کارآفرینانه و اهداف اجتماعی پیوند برقرار می‌کند. حال مسئله این است که کارآفرینی اجتماعی چگونه بر کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارد. مسأله‌ی مذکور در موسسه مهرآفرین - که اقداماتی با رویکرد کارآفرینی اجتماعی انجام می‌دهد- بر روی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش این موسسه، مورد بررسی قرار گرفت. به این منظور، دو نمونه‌ی ۷۵ نفری از بین جامعه مذکور با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک برای مطالعه‌ی مقایسه‌ای کیفیت زندگی دو گروه نمونه انتخاب شد. روش مورد استفاده در این تحقیق پیمایش بوده و متناسب با آن از پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها بهره گرفته شده است.

- اسدی، رضوی و فراستخواه (۱۳۹۰) در تحقیق خود به طراحی «الگوی کارآفرینی اجتماعی در سامان‌دهی کودکان خیابانی» پرداختند. یکی از اقدام‌های اثرگذار برای رفع معضلات اجتماعی و از جمله کودکان خیابانی، به کارگیری فعالیت‌های کارآفرینانه‌ی اجتماعی در جامعه است. برای اینکه بتوان زمینه‌ی کارآفرینی اجتماعی را در جامعه ایجاد کرد و سپس بر مبنای آن به حل این معضل اجتماعی

پرداخت، نیاز به الگویی در این زمینه در کشور است. از اینرو هدف این پژوهش که با روش تحقیق کیفی، نظریه‌ی مبنایی یا نظریه‌ی برخاسته از داده‌ها (GT) انجام شده است، تدوین الگوی کارآفرینی اجتماعی برای ساماندهی کودکان خیابانی در ایران می‌باشد. به این منظور با ۲۲ نفر از اطلاع‌رسانان کلیدی مصاحبه اکتشافی انجام شد. نمونه‌گیری هدفمند و بر مبنای "اشباع نظری" بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. در مجموع از مصاحبه‌ها ۵۵۲ گزاره‌ی مفهومی اولیه در مرحله‌ی کدگذاری باز و ۱۱۴ گزاره‌ی مقوله‌ای در مرحله‌ی کدگذاری محوری، به دست آمد و در نهایت در مرحله‌ی کدگذاری انتخابی، قضایایی که روابط تعمیم یافته میان مقولات را منعکس می‌کنند، وضوح کافی پیدا کردند و الگوی GT نمایان شد. بر اساس این الگو، پدیده اصلی، مسئولیت عمده در قبال کودکان خیابانی است.

- ابطحی، شریف‌زاده و ابراهیم پور (۱۳۸۹) در تحقیق خود به «بررسی مفاهیم، نظریه‌ها و مدل‌های کارآفرینی اجتماعی و ارائه مدل مفهومی» پرداختند. مفهوم کارآفرینی در دهه‌های اخیر توجه جدی محافل علمی و سازمان‌های دولتی و خصوصی را به خود جلب نموده است. مروری کوتاه در ادبیات کارآفرینی نشان می‌دهد که کارآفرینی به دلیل غلبه رویکرد اقتصادی در صدد ارائه روش‌های جدید برای حداکثرسازی سود و کسب درآمد بوده است. سازمان‌های اجتماعی نیز بایستی با استفاده از مفهوم کارآفرینی تحولی در ساختار سنتی خود به وجود آورند. بدیهی است روش استفاده از این مفهوم در بخشهای غیر اقتصادی ویژگی خاص خود را طلب می‌کند. نوشته حاضر جهت دستیابی به زمینه‌های اجتماعی استفاده از این مفهوم و توجه به ابعاد غیر اقتصادی آن، به بررسی مفاهیم، نظریه‌ها و مدل‌های کارآفرینی اجتماعی و مقایسه کارآفرینی اقتصادی و اجتماعی پرداخته و با شرح و بسط حوزه مطالعاتی کارآفرینی و ارائه آموزه‌هایی برای کارآفرینی در حوزه‌های غیر اقتصادی و غیرتجاری، در صدد ارائه ترکیب بندی جدید از کارآفرینی است. در نهایت با ارائه مدل مفهومی

کارآفرینی اجتماعی نسبت به گسترش مبانی نظری کارآفرینی اجتماعی و استفاده از آن در جامعه ایران آموزه‌هایی را ارائه می‌نماید.

- وامقی (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «کودکان ایران و رویکردهای دولتی» ضمن مروری بر مفاهیم و رویکردهای بین‌المللی، برنامه‌های دولتی ارائه شده در سیستم دولتی برای کودکان خیابانی مورد بررسی قرار داده و ارزشیابی مشخصی از سیاست‌های رسمی در خصوص کودکان خیابانی به عمل آورده است. یافته‌های این بررسی از یک سو نشان از گرایش به تغییر در سیاست‌های دولتی در خصوص کودکان خیابانی، از جمع‌آوری به سوی جذب کودکان به مراکز و تفکیک کودکان کار خیابانی از کودکان خیابان داشته، و از سوی دیگر حکایت از عدم توجه به علل زمینه‌ای، ادامه‌ی فعالیت‌های سیستم جمع‌آوری، ضعف سیستم دولتی، در جلب اعتماد کودکان برای جذب به مراکز، ضعف در ارائه خدمات به کودکان خیابانی و پیگیری وضعیت کودکان پس از ترخیص از مراکز دارد.

تحقیقات خارجی

- اشمیتز (۲۰۱۵) در مقاله خود به بررسی «کارآفرینی اجتماعی، نوآوری اجتماعی و ماموریت اجتماعی سازمان‌ها» پرداخته است. در این مقاله، نویسنده به صورت خلاصه کارآفرینی سازمانی، نوآوری اجتماعی و ماموریت اجتماعی سازمان‌ها را معرفی کرده و به بیان تفاوت‌های آن‌ها می‌پردازد. نویسنده همچنین کارآفرینی اجتماعی، شرکت‌های اجتماعی، کسب و کار اجتماعی و شرکت‌های دموکراتیک را به عنوان اشکال رسمی ماموریت سازمان‌های اجتماعی معرفی می‌کند و به تحلیل این مفاهیم با توجه به سه ویژگی نوآوری پذیری مشارکت دموکراتیک و استراتژی درآمد حاصله می‌پردازد.

- کاسا کبده (۲۰۱۵) در تحقیق خود به بررسی «موقعیت کودکان خیابانی در مراکز شهری و نقش NGO در توجه به مسائل اقتصادی اجتماعی: مورد مطالعه شهرهاواسا» پرداخته است. رویکرد این تحقیق هم کمی و هم کیفی می‌باشد. برای شناسایی پاسخگویان از نمونه‌گیری غیر تصادفی که شامل نمونه‌گیری گلوله برفی است استفاده شده است. این پژوهش نشان داد که بیشتر کودکان خیابان این مطالعه مذکور بوده و

عوامل مختلفی برای خیابانی بودن آن‌ها وجود داشت اما فقر یکی از اصلی‌ترین عوامل برای خیابانی شدن آن‌ها شناخته شد.

- لین (۲۰۱۵) در تحقیق خود به بررسی «ارتقا دسترسی به تحصیلات برای کودکان کار و خیابان» پرداخته است. موضوع تحصیل کودکان کار و کودکان خیابان به عنوان یک نگرانی جهانی از دهه ۱۹۸۰ به شدت در حال رشد می‌باشد. در اروپا در طول دوره صنعتی سازی، کودکان از حق تحصیل محروم شدند که همزمان با انقلاب اجتماعی و اقتصادی نیز بود. کمیته بین المللی نگرانی خود را در مورد کودکان کار و خیابان به خصوص در کشورهای در حال توسعه ابراز کرده است و هنوز هم این کودکان از زمینه‌های تحصیلی مورد نیاز محروم می‌باشند. بهترین روش برای بازگرداندن کودکان کار و خیابان به جامعه، تشویق آنان به تحصیل می‌باشد.

- لاینفورت (۲۰۱۴)، در تحقیق خود به بررسی «نگرش کل نگر افراد در اندازه‌گیری اثر تحصیلات کارآفرینی - تحصیلات کارآفرینی اجتماعی در علوم انسانی» پرداخته است. این تحقیق پژوهش‌های موجود در رابطه با اثر تحصیلات کارآفرینی و سوالات در مورد ثبات بین اصول درک کارآفرینی، هدف اصلی تحصیل کارآفرینی و ارزیابی روش‌های آن در این حوزه را مورد بحث قرار می‌دهد. با مطالعه ادبیات تحقیق در مورد کارآفرینی و کارآفرینی اجتماعی، عوامل بسیار زیادی برای بررسی و اندازه‌گیری این اثر شناخته شدند. بحث این تحقیق این است که درک فعالیت‌های کارآفرینی در یک حالت پویا با توجه به بازه زمانی و ابعاد مورد نظر برای برای ارزیابی کارمل تحصیلات کارآفرینی اجتماعی مفید می‌باشد.

- براگا و همکاران (۲۰۱۴)، در تحقیق خود به بررسی «انگیزه‌های کارآفرینی اجتماعی - شواهدی از پرتغال» پرداختند. هدف اصلی این تحقیق کشف عواملی است که افراد برای خلق، توسعه و حفظ کارآفرینی اجتماعی برمی‌انگیزاند و همچنین شناسایی مشکلات و انتظاراتی که کارآفرینی اجتماعی با آن روبرو می‌باشد. این تحقیق بر مبنای یک مطالعه اکتشافی است که شامل جمع‌آوری و تحلیل داده‌های کیفی از ۱۳ مصاحبه با کارآفرینان اجتماعی از پرتغال می‌باشد. این تحقیق اطلاعاتی در مورد انگیزه‌های که افراد

برای پیشرو بودن در حفظ یک پروژه اجتماعی، ایستادگی در برابر نوع دوستی و تمایل برای خلق و نوآوری را به دست می‌دهد. همچنین منابع انسانی، مالی و بروکراسی کسب و کار مهم‌ترین مشکلات در فرایند خلق مشارکت اجتماعی شناسایی شدند.

- نیا و ساتیات (۲۰۱۴) در تحقیق خود به بررسی «کارآفرینی اجتماعی به عنوان ضرورتی برای مفهوم رقابت: ایجاد یک مسیر جدید برای تحقیقات نظام‌مند آینده» پرداختند. کارآفرینی اجتماعی به عنوان محیط فال از تحقیق و عمل در سه دهه آخر معرفی شده است. با این وجود علی‌رغم پیشرفت عمومی آن، محققین کمتری به آن پرداخته‌اند و اینکه کارآفرینی اجتماعی دقیقاً به چه معنا می‌باشد. هدف این تحقیق بحث در مورد کارآفرینی اجتماعی و اشاره به آن به عنوان یک مفهوم اجتماعی جدید است که می‌تواند توسعه نظام‌مند تحقیقات آینده را تسهیل کند. در پایان، کارآفرینی اجتماعی به عنوان مبنایی تئوری از مفاهیم مباحثه‌ی مورد تحلیل قرار گرفته شد. این تحقیق نشان می‌دهد که کارآفرینی اجتماعی می‌تواند به عنوان یک مفهوم مباحثه‌ای که یک تعریف کلی مورد توافق برای آن وجود ندارد تعریف شو و به عنوان یک ابزار مفهومی برای کمک به کارآفرینان اجتماعی پیشرفته به خدمت گرفته شود.

- فلیکو و همکاران (۲۰۱۳)، در تحقیق خود به بررسی «ارزش‌های اجتماعی و عملکرد سازمانی در سازمان‌های غیر انتفاعی: اثرات کارآفرینی اجتماعی، رهبری و فضای اقتصادی» پرداختند. این تحقیق کارآفرینی اجتماعی و رهبری تبدیلی را در توضیح ارزش‌های اجتماعی و عملکرد سازمانی در سازمان‌های غیر انتفاعی تحلیل می‌کند. با ارزیابی فضای اقتصادی به عنوان یک متغیر تعدیل‌گر، نتایج اثر قوی کارآفرینی اجتماعی بر ارزش‌های اجتماعی و اثر کارآفرینی اجتماعی و رهبری تبدیلی بر عملکرد سازمانی را تایید می‌کند.

- اپریکا (۲۰۱۳)، در تحقیق خود به بررسی «شبکه‌های اجتماعی برای کارآفرینی اجتماعی» پرداخته است. این تحقیق یک مطالعه موردی در مورد اینکه چگونه کلوب‌های روتاری در رومانی موفق به ایجاد اعتماد از طریق رسانه‌ها اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی برای رسیدن به اهداف کارآفرینی اجتماعی شد می‌باشد.

جمع‌بندی پیشینه

هدف از این مطالعه، کمک به پر کردن بعضی از شکاف‌های موجود در تحقیقات سازمان‌های کارآفرینانه اجتماعی و ساماندهی کودکان خیابانی است که مهارت‌ها و ویژگی‌های مورد نیاز این سازمانها نیز مورد توجه قرار می‌دهد. همان طور که از مرور ادبیات مشاهده کردیم، یکی از درونمایه‌های اصلی بحث آنست که کارآفرینی اجتماعی اساساً به توسعه و پیاده‌سازی اقداماتی توجه دارد که نتایج قابل اندازه‌گیری تولید می‌کنند و برای مثال به بهبود نتایج و اثرات اجتماعی منجر می‌شود.

بررسی ادبیات نشان دهنده این است که مفهوم کارآفرینی اجتماعی ذاتاً پیچیده است چرا که این حوزه آنقدر جدید است که کمتر بحث و اتفاق نظری بر روی آن انجام شده است. در اکثر مطالعات انجام شده در حوزه کارآفرینی اجتماعی، از متدولوژی موردپژوهی برای آشکار ساختن دیدگاه‌های موجود استفاده شده است که البته انتقال دیدگاه‌های حاصل از این مطالعات به عموم مردم کمی دشوار است. تعاریف بسیار متناقضی از کارآفرینان اجتماعی ارائه شده و از اصطلاحات متنوعی برای اشاره به فعالیت‌ها و اقدامات مشابه آنها استفاده می‌شود که از جمله آنها می‌توان به بنگاه اقدامات عامه‌المنفعه، بنگاه‌های دارایی اجتماعی، سازمان‌های غیرانتفاعی، گروه‌های سرمایه‌گذاری بشردوستانه، سرمایه‌داری بهبودیافته، بنگاه اجتماعی، و کارآفرینی مدنی اشاره کرد که البته فهرست به همین جا ختم نمی‌شود. در این میان، مدل‌ها و عوامل تاثیرگذار زیادی در زمینه ایجاد کارآفرینی اجتماعی در جامعه پیشنهاد گردیده‌اند که در طول این فصل مهم‌ترین آنها مورد اشاره قرار گرفت.

۲- مرور مبانی نظری پژوهش

توانمندسازی کودکان کار و خیابان

کودکان خیابانی پدیده‌ای رشد یابنده در جهان و در کشور ما می‌باشند. بر اساس

آمارهای رسمی، ۵۰۰ هزار کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله در سراسر کشور کار ثابت دارند و حدود ۵۴۰ هزار کودک در همین سن به عنوان کارگر فصلی مشغول به کارند. یعنی در ایران رسماً بیش از یک هزار کودک کار می‌کنند (روزنامه‌ی ایران، ۲۹/۱۰/۱۳۹۳). با توجه به ماهیت پدیده کودکان کار و خیابان، عوامل متعددی در این زمینه نقش دارند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود (احمد بهات و همکاران، ۲۰۱۴):

- عوامل اقتصادی شامل بیکاری، کم کاری، کارهای فصلی و موقت، درآمد کم، گرانی، تورم و آنچه که ناشی از فقر و کمبود رفاه اقتصادی برای یک زندگی شایسته در هر جامعه است.

- عوامل اجتماعی مانند مهاجرت، بحران‌های اجتماعی، اعتیاد، ناهنجاری‌های اجتماعی، الگوهای اجتماعی نامناسب و در مجموع افزایش آسیب‌های اجتماعی است.

- عوامل فرهنگی شامل ناآگاهی در حوزه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، تبعیض در همه اشکال آن، نابرابری‌های اجتماعی در استفاده از امکانات فرهنگی، آموزشی و اوقات فراغت.

- عوامل خانوادگی از جمله طلاق، گسستگی و تنش در خانواده، تعداد فرزندان، بی‌سرپرستی، بد سرپرستی، تک‌والدی به ویژه اگر با فقر اقتصادی همراه باشد.

- عوامل فردی که در ارتباط و اثربخشی عوامل بالا قرار دارد و به توانایی فرد برای مقابله با مشکلات، تاب‌آوری، آگاهی از شیوه‌های حل مسأله، وجود مشکلات جسمی، روانی و سایر عوامل مؤثر، بستگی دارد. کودکان و جوانان سهم چشم‌گیری در دنیای امروزی ایفاء می‌نمایند، بنحوی که رشد و بقای هر جامعه وابسته به تربیت و پرورش صحیح آنان می‌باشد (لین، ۲۰۱۵). بنابراین حفظ حقوق، توسعه فردی و اجتماعی و فراهم آوردن زمینه رشد همه جانبه این گروه از افراد از اهمیت دوچندانی برخوردار می‌باشد. امروزه به سبب بروز آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد، طلاق، بی‌سرپرستی و بد سرپرستی، کودکان از خانه‌های خود فرار می‌کنند و به شهرهای بزرگ می‌روند. این کودکان معمولاً خود را با کارهایی مثل دست‌فروشی، واکسی، گل‌فروشی و غیره مشغول می‌کنند تا بتوانند حداقل با تکه‌ای نان خود را سیر کنند (لانفردی و همکاران، ۲۰۱۵).

این نوع زندگی، آنان را در معرض مخاطرات بسیاری چون سوء تغذیه، محرومیت از تحصیل، محرومیت از بهداشت و سلامت، استثمار و مرگ قرار داده و از طرفی جامعه را نیز دچار آسیب‌های اجتماعی فراوانی می‌کند (کاسا کبده، ۲۰۱۵). در این راستا با توجه به ناتوانی دولت‌ها در حل مشکلات فزاینده‌ی کودکان کار و خیابان، در سال‌های اخیر بخش قابل توجهی از سازمان‌های مردم‌نهاد با هدف توانمندسازی آنان شکل گرفته‌اند (حسینی، ۱۳۸۴). اینکس و بنتون (۱۹۹۵) مفهوم توانمندسازی را مرتبط با مفهوم خودیاری، مشارکت، داشتن حق حاکمیت و هم‌یاری‌های شبکه‌ای می‌داند که می‌توان برای باز توزیع قدرت و منابع جهت کمک به افراد فقیر از آن استفاده نمود. اصولاً توانمندسازی فرایندی محسوب می‌شود که افراد را قادر می‌سازد خود مختاری، کنترل و اعتماد به نفس کسب کنند و با احساس قدرت فردی و جمعی در کنار گروهی از مردم برای تفوق بر شرایط اجتماعی مسلط و تبعیض‌گر اقدام نمایند (مالهاترا، ۲۰۰۲). با توجه به این که توانمندسازی در مورد گروه‌هایی از جامعه است که در آن امتیازات، به ضرر یک گروه بزرگ و به نفع یک گروه کوچک اختصاص یافته است، لذا باید از الگوی توانمندسازی، برای کودکان به حاشیه رانده شده؛ کسانی که امرار معاششان در خیابان‌های شهری می‌باشد استفاده نمود و جهت ورود مجدد آن‌ها به جامعه مدنی کمک نمود (کاسا کبده، ۲۰۱۵). از این رو بایستی از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد عاملیت‌ها و فرصت‌ها با توجه به شرایط بچه‌ها ایجاد شود تا میزان توانمندی این کودکان بالاتر رود (شکوری، ۱۳۹۳). به عبارتی ساختارهای فرصت مثل فرصت آموزش تحصیلی، آموزش مهارت‌های زندگی هر مقدار بیشتر باشد عاملیت انتخاب این کودکان بیشتر می‌شود و رفتارهای مؤثر، سالم‌تر و انتخاب مناسب‌تری را می‌توانند داشته باشند و به خود آگاهی بالاتری می‌توانند دست پیدا کنند (لین، ۲۰۱۵).

با توجه به مطالب ذکر شده توجه به مسائل کودکان و نوجوانان بخصوص کودکان کار و ارائه راه کارهایی برای توانمندسازی آنان، امروزه یکی از مهم‌ترین مسائل جاری کشورها است که باید مورد توجه قرار گیرد و برنامه‌هایی به منظور بهبود شرایط موجود طراحی و اجرا گردد. به طور کلی اهمیت این پژوهش را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

- کمک به مدیران ستادهای توانمندسازی و سازمان‌های مردم‌نهاد در جهت شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی کودکان کار و خیابان.
- کمک به مدیران ستادهای توانمندسازی و سازمان‌های مردم‌نهاد در جهت شناسایی مهم‌ترین مؤلفه‌های تعیین‌کننده کارآفرینی اجتماعی.
- کمک به مدیران ستادهای توانمندسازی و سازمان‌های مردم‌نهاد به منظور تعیین نقش کارآفرینی اجتماعی بر توانمندسازی کودکان کار و خیابان.
- ارائه برنامه‌های مناسب به مدیران ستادهای توانمندسازی و سازمان‌های مردم‌نهاد جهت ارتقاء کارآفرینی اجتماعی.
- ارائه راهکارهای مناسب به مدیران ستادهای توانمندسازی و سازمان‌های مردم‌نهاد جهت توانمندسازی کودکان کار و خیابان. نظریه‌های مختلفی در حوزه توانمندسازی مطرح شده است که ابعاد مختلفی از توانمندسازی را نشان می‌دهد. در جدول ۱ به طور خلاصه این ابعاد و نظریه‌ها ذکر شده‌اند.

جدول ۱. الگوهای توانمندسازی

نام مدل	سال	عوامل تعیین‌کننده
گوتیرز	۱۹۹۸	توانایی تأثیر بر روند زندگی یک فرد، بیان ارزش خود، ظرفیت کار کردن همراه با دیگران برای کنترل جنبه‌های اجتماعی زندگی و دسترسی به ساز و کار تصمیم‌گیری‌های جمعی
شکوری	۱۳۹۳	حمایت‌های آموزشی، خدمات بهداشتی و درمانی، آموزش مهارت‌های زندگی
اسدی و همکاران	۱۳۹۱	نیازهای اولیه، مهارت‌های فردی و مهارت‌های اجتماعی
بالویی جامخانه و همکاران	۱۳۹۰	عوامل ساختاری، کارکردی و زمینه‌ای

در این پژوهش از مدل اسدی و همکاران (۱۳۹۱) به دلیل بومی شدن شاخص‌های آن در ایران بهره‌گرفته می‌شود. بر اساس مدل اسدی و همکاران (۱۳۹۱) نیازهای اولیه، مهارت‌های فردی و مهارت‌های اجتماعی منجر به توانمند شدن کودکان کار و خیابان می‌شود.

۲-۲ کارآفرینی اجتماعی

کارآفرینی اجتماعی^۱ به معنی انجام ماموریت‌های اجتماعی و انسان دوستانه از طریق فعالیت‌های کسب و کار است (ابطحی و همکاران، ۱۳۸۹). کارآفرینان اجتماعی از طریق تعریف و پیاده‌سازی مدل‌های کسب و کار به نیاز محرومان و بی‌پناهان پاسخ گفته و بین کوشش‌های خیرخواهانه و فعالیت‌های اقتصادی پیوند برقرار می‌سازند (براگا و همکاران، ۲۰۱۴). فعالیت‌های کارآفرینانه اجتماعی ضمن برخورداری از ویژگی‌های عمومی کارآفرینی جهت‌گیری اصلی آنها بجای سود فردی یا گروهی بسوی اهداف اجتماعی نظیر هماوایی و همبستگی جمعی، مقابله با محرومیت، یاس و درماندگی است (مارتین و آزرگ، ۲۰۰۷). فعالیت‌های کارآفرینان اجتماعی در قبال کودکان و نوجوانان طیف بسیار گسترده‌ای را شامل می‌شود که ممکن است در محیط‌های ویژه‌ای اعم از خانواده، اجتماع، مدارس و موقعیت‌های اورژانسی صورت بگیرد (کاسا کبده، ۲۰۱۵). به طور کلی برای کارآفرینی اجتماعی سه وضعیت زیر قابل تصور می‌باشد (مرجانی و صدری، ۱۳۹۳):

۱- شناسایی تعادلی پایدار، اما ناعادلانه که موجب محرومیت، باحاشیه رانده شدن و یا ناراحتی بخشی از انسان‌ها می‌شود، در نتیجه، این دسته از انسان‌ها نمی‌توانند نیازهای خود را در سطح مناسب پاسخ دهند.

۲- شناسایی یک فرصت، که در این تعادل ناعادلانه، ارزش اجتماعی را گسترش دهد و موجب الهام، خلاقیت، ملکرد مستقیم، شجاعت و بردباری شود، به طوری که از طریق آن شرایط پایدار اما ناعادلانه موجود به چالش کشیده شود.

۳- ایجاد تعادلی که موجب از بین رفتن نقص‌های بالقوه یا کمبودهایی شود که گروه خاصی با آن مواجه‌اند و با ایجاد نظام طبیعی، پایدار، باثبات، جدید و اطمینان بخش با آینده‌ای بهتر برای گروه هدف و حتی کل جامعه منجر شود.

از این رو جهت سنجش کارآفرینی اجتماعی در شرایط مختلف، محققان از مدل‌های

۱- کارآفرینی اجتماعی: در این پژوهش به منظور سنجش کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های مورد مطالعه از سنجه‌های حاصل از تحقیق لویز (۲۰۰۳) شامل؛ برنامه‌های کارآفرینانه، اصول اساسی کارآفرینی اجتماعی، فرهنگ سازمانی کارآفرینانه، عوامل حیاتی موفقیت در کارآفرینی اجتماعی استفاده خواهد شد.

مختلف کارآفرینی اجتماعی بهره گرفته‌اند. در جدول (۲) برخی از مهم‌ترین مدل‌های کارآفرینی اجتماعی ارائه شده توسط سایر پژوهشگران بیان شده است؛

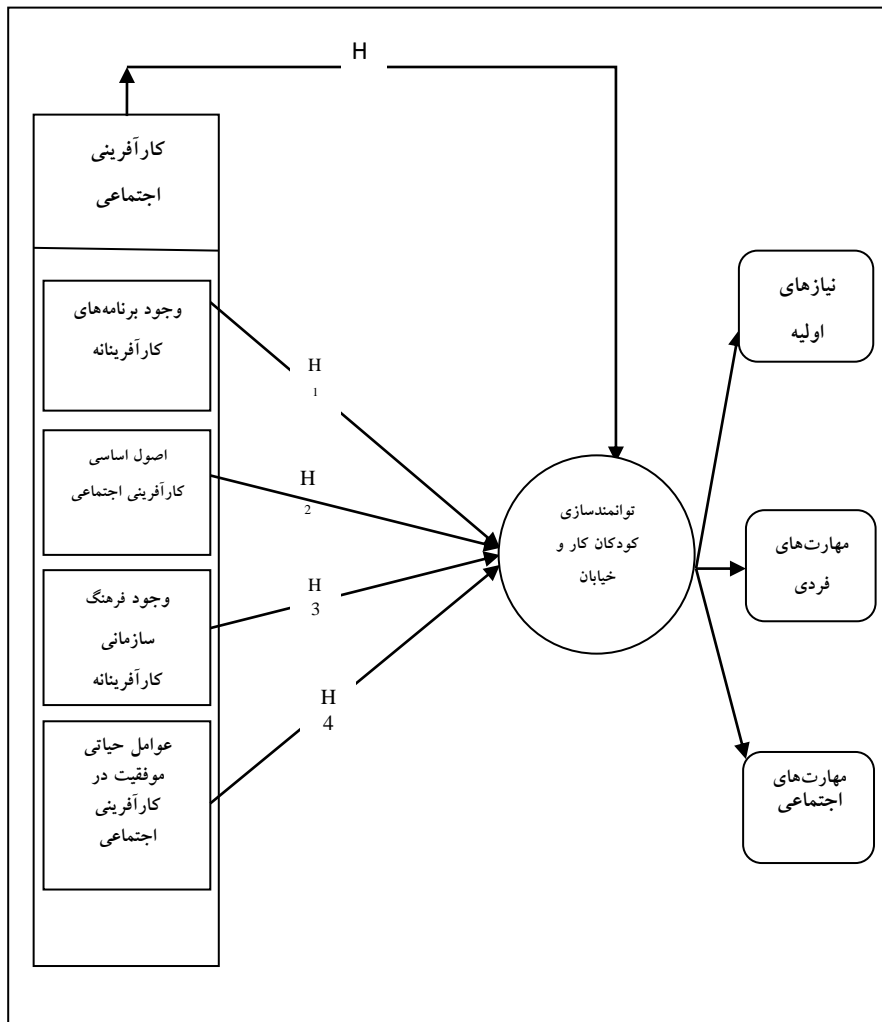
جدول ۲- مدل‌های کارآفرینی اجتماعی

محقق	سال	مولفه‌های تعیین کننده
ویراواردانا	۲۰۰۶	مدیریت ریسک، رفتار نوآورانه و رفتار پیش‌نگرانه
ویراواردانا و کارنیجه	۲۰۰۳	شناسایی فرصت اجتماعی، قدرت درایت، فضیلت کارآفرینانه و رفتار نوآورانه، ریسک‌پذیری و رفتار پیش‌نگرانه
لویز	۲۰۰۳	برنامه‌های کارآفرینانه، اصول اساسی کارآفرینی اجتماعی، فرهنگ سازمانی کارآفرینانه و عوامل حیاتی موفقیت در کارآفرینی اجتماعی
گیوکیو و دیز	۲۰۰۱	تولید ایده‌های نوید بخش، تبدیل ایده‌های امیدبخش به فرصت‌های جذاب
مقیمی	۱۳۸۳	عوامل ساختاری، عوامل رفتاری و عوامل زمینه‌ای

در پژوهش پیش‌رو تلاش شده است تا به شناسایی مولفه‌های کارآفرینی اجتماعی مؤثر بر توانمندسازی کودکان کار و خیابان در ستادهای توانمندسازی و سازمان‌های مردم‌نهاد در شهر تهران پرداخته شود. در این راستا با بکارگیری رویکرد تحلیلی- کتابخانه‌ای تلاش شد که با بررسی مدل‌های مختلف ارائه شده در رابطه با کارآفرینی اجتماعی که توسط سایر پژوهشگران ارائه گردیده است و در نظر گرفتن تناسب آن با جامعه هدف مورد بررسی، به شناسایی مولفه‌های کارآفرینی اجتماعی مؤثر بر توانمندسازی کودکان کار و خیابان در طی سه گام پرداخته و مدل اندازه‌گیری آنان ارائه گردد. از این‌رو در گام نخست به جمع‌آوری و مطالعه دقیق مدل‌ها و الگوهای ارائه شده در مطالعات گذشته پرداخته شد. در گام بعدی مدل‌های جامع ارائه شده در این حوزه استخراج گردیدند و در گام پایانی با رویکردی تحلیلی و بهره‌مندی از نظرات اساتید خبره و ستادهای توانمندسازی و سازمان‌های مردم‌نهاد در شهر تهران، به شناسایی مهم‌ترین مولفه‌های کارآفرینی اجتماعی مؤثر بر توانمندسازی در ستادهای توانمندسازی و سازمان‌های مردم‌نهاد در شهر تهران پرداخته شد که در نهایت تعداد چهار مولفه برنامه‌های کارآفرینانه، اصول اساسی کارآفرینی اجتماعی، فرهنگ سازمانی کارآفرینانه و

عوامل حیاتی موفقیت در کارآفرینی اجتماعی برای ادامه فرآیند پژوهش انتخاب و در مدل مفهومی پژوهش گنجانده شده‌اند.

مدل مفهومی تحقیق برگرفته از نظریات تحقیق



با توجه به مدل مفهومی، فرضیات پژوهش به شرح زیر ارائه می‌گردند؛

الف) فرضیه اصلی:

کارآفرینی اجتماعی در ستادهای توانمندسازی و سازمان‌های مردم نهاد بر توانمندسازی کودکان کار و خیابان تأثیر معنادار دارد.

ب) فرضیه‌های فرعی:

۱. وجود برنامه‌های کارآفرینانه‌ی در ستادهای توانمندسازی و سازمان‌های مردم نهاد بر توانمندسازی کودکان کار و خیابان تأثیر معنادار دارد.
 ۲. بکارگیری اصول اساسی کارآفرینی اجتماعی در ستادهای توانمندسازی و سازمان‌های مردم نهاد بر توانمندسازی کودکان کار و خیابان تأثیر معنادار دارد.
 ۳. فرهنگ سازمانی کارآفرینانه‌ی ستادهای توانمندسازی و سازمان‌های مردم نهاد بر توانمندسازی کودکان کار و خیابان تأثیر معنادار دارد.
 ۴. عوامل حیاتی موفقیت در کارآفرینی اجتماعی در ستادهای توانمندسازی و سازمان‌های مردم نهاد بر توانمندسازی کودکان کار و خیابان تأثیر معنادار دارد.
- در ادامه به بررسی روش‌شناسی به کار رفته برای حل مسأله پژوهش و جوانب مختلف آن پرداخته می‌شود.

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران و کارکنان شاغل در ستادهای توانمندسازی و سازمان‌های مردم نهاد در شهر تهران بوده است که با اطلاعات به دست آمده از امور اداری ستاد توانمندسازی، تعداد آنان ۶۰۰ نفر در نظر گرفته شد. شوماخر و لوماکس^۱ (۲۰۱۰) در کتاب خود ضمن مرور نظرات مختلف در زمینه تعداد نمونه مورد نیاز برای پژوهش‌های با روش مدلسازی معادلات ساختاری پیشنهاد می‌کنند هنگامی که متغیرهای پنهان دارای معرف چندگانه‌ای هستند، به ازای هر متغیر مدل حداقل ۵ نمونه و حداکثر ۱۰ نمونه اخذ گردد. با این حال برای اطمینان از حد کفایت نمونه‌گیری، تعداد ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شد و نمونه‌گیری به روش طبقه‌ای تصادفی بین دو طبقه مدیران (۷۹ نفر) و کارکنان (۱۰۱ نفر) صورت گرفت.

^۱. Schumacker and Lomax

حجم نمونه

مقدار حجم نمونه از طریق فرمول کوکران برای جامعه آماری به شرح ذیل محاسبه می‌گردد:

بر اساس فرمول فوق برای جامعه کارکنان و مدیران شاغل در سازمان‌های مورد مطالعه، حجم نمونه به تعداد ۱۸۰ نفر محاسبه شده است.

۳-۴-۳ روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری، طبقه‌ای تصادفی متناسب با حجم جامعه آماری می‌باشد. در این تحقیق جامعه آماری ما از دو طبقه مدیران (۶۰ نفر مدیران ارشد، ۵۵ نفر مدیران واحدها و ۳۰ نفر سرپرستان؛ جمعاً ۱۴۵ نفر) و کارکنان (۵۵ نفر کارشناسان و ۱۳۰ نفر کارمندان عادی؛ جمعاً ۱۸۵ نفر) شاغل در ستادهای توانمندسازی و سازمان‌های مردم نهاد شهر تهران تشکیل شده است که حجم نمونه در هر طبقه به نسبت جامعه آن طبقه از فرمول زیر بدست می‌آید:

$$\text{تعداد نمونه هر طبقه } n = (N_h / N) \times n$$

$$N_h: \text{تعداد افراد در آن طبقه} \quad 79 = 79/09 = 180 \times (330 \div 145) = \text{تعداد نمونه}$$

برای طبقه مدیران

$$N: \text{تعداد کل جامعه} \quad 101 = 100/99 = 180 \times (330 \div 185) = \text{تعداد نمونه برای طبقه}$$

کارکنان

N: حجم نمونه

با توجه به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی، نمونه آماری پژوهش از تعداد ۷۹ نفر مدیران ارشد، معاونین و سرپرستان واحدها و ۱۰۱ نفر کارشناسان و کارمندان عادی تشکیل شده است. بر اساس حجم نمونه محاسبه شده، تعداد ۱۸۰ پرسشنامه مورد نیاز بود. در این راستا پرسشنامه‌ها با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بین مدیران و کارکنان سازمان توزیع شد که در نهایت تعداد ۱۸۰ پرسشنامه برگشت داده شد و مورد استفاده قرار گرفت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه ۲۷ سوالی دربرگیرنده شاخص‌های

عملیاتی متغیرهای پژوهش بوده است که در بین نمونه مورد بررسی توزیع گردید که در نهایت تعداد ۱۸۰ پرسشنامه برگشت داده شد.

روایی پرسشنامه به دو روش محتوایی با تأیید متخصصان و روش سازه با استفاده از تحلیل عامل تأییدی مورد سنجش واقع شد. به این منظور در مرحله اول گویه‌های سوالی طراحی شده برای سنجش متغیرهای پژوهش در اختیار تعدادی از اساتید دانشگاه و کارشناسان ستاد توانمندسازی قرار گرفته شد و قابلیت سنجش هریک از سوالات از متغیر و مؤلفه مربوط به خود توسط خبرگان بصورت محتوایی تأیید گردید. از طرفی در مرحله دوم به منظور سنجش روایی سازه‌ای هریک از متغیرهای پژوهش از روش تحلیل عامل تأییدی بهره گرفته شد. در این راستا مدل اندازه‌گیری مربوط به هر متغیر در نرم‌افزار Amos 21 طراحی و سطح برازش هریک از مدل‌های اندازه‌گیری که بیانگر قابلیت سنجش متغیر توسط گویه‌های سوالی مربوط به خود می‌باشد، مورد آزمون واقع گردید. شاخص‌های کلی برازش الگوهای اندازه‌گیری (تحلیل عاملی تأییدی) در جدول (۱) ارائه شده است که بیانگر آن است که الگوهای اندازه‌گیری هریک از متغیرها، از برازش خوبی برخوردار هستند و ابزار مناسبی برای سنجش متغیرها می‌باشند.

جدول ۱- شاخص‌های کلی برازش الگوهای اندازه‌گیری (تحلیل عاملی تأییدی)

GFI	RMR	CMIN	CFI	RMSEA	P	X ² /df	سازه / شاخص
>۰/۹	<۰/۰۵	---	>۰/۹	<۰/۰۷	<۰/۰۵	<۳	میزان قابل قبول
۰/۹۰۰	۰/۰۱۶	۱۷۱/۷۳۷	۰/۹۳۵	۰/۰۵۰	۰/۰۰۰	۲/۲۶۰	کارآفرینی اجتماعی
۰/۹۳۱	۰/۰۲۵	۲۱۸/۸۶۶	۰/۹۱۵	۰/۰۵۸	۰/۰۰۰	۲/۵۳۰	توانمندسازی کودکان

پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ تعیین گردید. برای این منظور یک نمونه اولیه ۳۰ تایی از پرسشنامه در بین مدیران و کارکنان سازمان‌های مورد مطالعه توزیع شد. میزان ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه (۰/۹۳۵) محاسبه گردید که با توجه به ضریب

بالای ۰/۷ آن، قابلیت اعتماد ابزار گردآوری داده‌ها تأیید گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار Spss 22 برای توصیف اطلاعات جمعیت‌شناسی و سنجش نرمال بودن توزیع نمونه مورد بررسی و نرم‌افزار Amos 21 برای آزمون فرضیه‌های پژوهش به روش مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شد. به این منظور مدل ساختاری مربوط به هریک از فرضیه‌های پژوهش در نرم‌افزار Amos 21 طراحی گردید و بر مبنای ضریب همبستگی و معادلات رگرسیونی چند متغیره، روابط بین متغیرهای مورد آزمون سنجیده شد.

تعریف مفهومی و عملیاتی واژه‌ها

تعریف مفهومی واژه‌ها:

- کارآفرینی اجتماعی: کارآفرینی اجتماعی به معنی انجام ماموریت‌های اجتماعی و انسان دوستانه از طریق فعالیتهای کسب و کاری است. کارآفرینان اجتماعی برآنند تا از طریق تعریف و پیاده‌سازی مدل‌های جدید کسب و کار به نیاز محرومان و بی‌پناهان پاسخ گفته و بین کوشهای خیرخواهانه و فعالیت‌های اقتصادی پیوند برقرار سازند (میر و رایبسون، ۲۰۰۶). میر و مارتی کارآفرینی اجتماعی را سازه‌ای چند بعدی شامل حالت و تعبیری از رفتار پاکدامنه و با فضیلت برای کسب موفقیت در ماموریت‌های اجتماعی، هم‌بستگی منسجم هدف و عمل در مواجهه شدن با پیچیدگی‌های معنوی و اخلاقی، توانایی در شناسایی ارزشهای اجتماعی، ایجاد فرصت‌ها، خصایص خلاقانه و ریسک‌پذیرانه در تصمیم‌گیری تعریف می‌کنند (میر و مارتی، ۲۰۰۶).

- توانمندسازی کودکان و کار و خیابان: مجموعه فعالیت‌هایی که توسط نهادها، سازمانها و دستگاههای اجرایی دولتی و غیر دولتی تعریف شده و شامل آموزش کودکان در زمینه‌های موردنیاز، حمایت از این کودکان در حوزه‌های مختلف و مشارکت کودکان در روند توانمندسازی آنان می‌شود (حسینی، ۱۳۸۵).

عناصر کارآفرینی اجتماعی

کارآفرینی اجتماعی از شش جزء تشکیل شده که این عناصر به تفصیل عبارتند از:

۱. عاملان تغییر در بخش اجتماعی
۲. پذیرش ماموریت برای ایجاد بقا و ارزش اجتماعی
۳. شناسایی و تعقیب سرسختانه فرصت‌های جدید
۴. بکارگیری فرایند مستمر نوآوری، سازگاری و یادگیری
۵. اقدام جدی و بی‌باکانه به وسیله منابع در دسترس
۶. ارائه حس بلندپروازانه پاسخگویی به موسسات و پیامدهای حاصله

تعریف عملیاتی واژه‌ها:

- کارآفرینی اجتماعی: در این پژوهش به منظور سنجش کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های مورد مطالعه از سنجه‌های حاصل از تحقیق لویز (۲۰۰۳) شامل؛ برنامه‌های کارآفرینانه، اصول اساسی کارآفرینی اجتماعی، فرهنگ سازمانی کارآفرینانه، عوامل حیاتی موفقیت در کارآفرینی اجتماعی استفاده خواهد شد.

- توانمندسازی کودکان کار و خیابان: در این پژوهش به منظور سنجش توانمندسازی کودکان کار و خیابان از سنجه‌های حاصل از تحقیق اسدی و همکاران (۱۳۹۰) شامل؛ نیازهای اولیه، مهارت‌های فردی و مهارت‌های اجتماعی استفاده خواهد شد.

به منظور سنجش و ارزیابی کارآفرینی اجتماعی به عنوان متغیر مستقل پژوهش در سازمان مورد مطالعه از سنجه‌های حاصل از مدل لویز (۲۰۰۳) استفاده شد که در این راستا از ۱۴ گویه سوالی محقق ساخته که از شاخص‌های عملیاتی هریک از مولفه‌ها استخراج شده است استفاده گردید. همچنین به منظور سنجش توانمندسازی کودکان کار و خیابان در سازمان مورد مطالعه به عنوان متغیر وابسته پژوهش از سنجه‌های حاصل از مدل ارائه شده توسط اسدی و همکاران (۱۳۹۰) به دلیل جامع بودن مدل بهره گرفته شد که در این راستا از پرسشنامه ۱۳ سوالی محقق ساخته که سوالات آن بر اساس شاخص‌های عملیاتی ارائه شده در مدل بدست آمده است، استفاده گردید.

جدول ۳-۲- جزئیات سوالات عملیاتی پژوهش

متغیر	مولفه‌ها یا ابعاد	شماره سوالات	تعداد سوال
کارآفرینی اجتماعی (۱۴ سوال)	وجود برنامه‌های کارآفرینانه	سوال ۱ تا ۴	۴
	اصول اساسی کارآفرینی اجتماعی	سوال ۵ تا ۸	۴
توانمندسازی کودکان کار و خیابان (۱۳ سوال)	فرهنگ سازمانی کارآفرینانه	سوال ۹ تا ۱۱	۳
	عوامل حیاتی موفقیت در کارآفرینی اجتماعی	سوال ۱۲ تا ۱۴	۳
نیازهای اولیه مهارت‌های فردی مهارت‌های اجتماعی	نیازهای اولیه	سوال ۱۵ تا ۱۸	۴
	مهارت‌های فردی	سوال ۱۹ تا ۲۲	۴
	مهارت‌های اجتماعی	سوال ۲۳ تا ۲۷	۵

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- یافته‌های جمعیت‌شناختی

یافته‌های مربوط به آمار توصیفی پژوهش برای هریک از سوال‌های جمعیت‌شناسی در جدول (۲) آورده شده است.

جدول ۲- جدول کلی یافته‌های مربوط به آمار توصیفی پژوهش

سوال	گزینه‌ها	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۶۷	۳۷/۲
	زن	۱۱۳	۶۲/۸
سن	۲۰ تا ۳۰	۳۹	۲۱/۵
	۳۱ تا ۴۰	۸۱	۴۴/۹
	۴۱ تا ۵۰	۴۷	۲۶/۲
	۵۱ و بالاتر	۱۳	۷/۵
پست سازمانی	مدیر ارشد	۱۲	۶/۵
	مدیر واحد	۲۴	۱۳/۱
	سرپرست	۳۶	۲۰/۶
	کارشناس واحد	۷۹	۴۳/۹
سطح تحصیلات	کارمند عادی	۲۹	۱۵/۹
	دیپلم	۲۴	۱۳/۱
	فوق دیپلم	۲۲	۱۲/۱
	کارشناسی	۶۷	۳۷/۴
	کارشناسی ارشد	۵۷	۳۱/۸
دکتری	۱۰	۵/۶	

آمار تفکیکی ارائه شده در جدول (۲) نشان دهنده این مطلب است که زنان بیش از مردان در شغل مددکاری اجتماعی بکار گمارده شده‌اند که دلیل آن تناسب ویژگی‌های شخصیتی زنان با این نوع از مشاغل است. در عین حال عمده کارکنان شاغل در ستاد توانمندسازی و سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه کودکان کار و خیابان، افرادی جوان و با سطح تحصیلات کارشناسی می‌باشند که بیانگر وجود سرمایه انسانی فعال و متخصص در این حوزه در کشور می‌باشد.

در زیر نگاهی به آمار توصیفی به طور دقیق تر می‌اندازیم:

آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها

در این قسمت به بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها پرداخته می‌شود. از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن توزیع داده‌ها استفاده می‌شود. فرضیه آماری این آزمون به شرح ذیل است:

H_0 : داده‌های مربوط به متغیر مورد بررسی از توزیع نرمال برخوردار می‌باشند.

H_1 : داده‌های متغیر مورد بررسی از توزیع نرمال برخوردار نمی‌باشند.

در صورتی که سطح معناداری آزمون کمتر از ۰.۰۵ باشد فرض صفر را رد کرده و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که توزیع داده‌های مربوط به متغیرها نرمال نیست. در صورتی که سطح معناداری آزمون بیشتر از ۰.۰۵ باشد فرض صفر را پذیرفته و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که توزیع داده‌ها نرمال هستند.

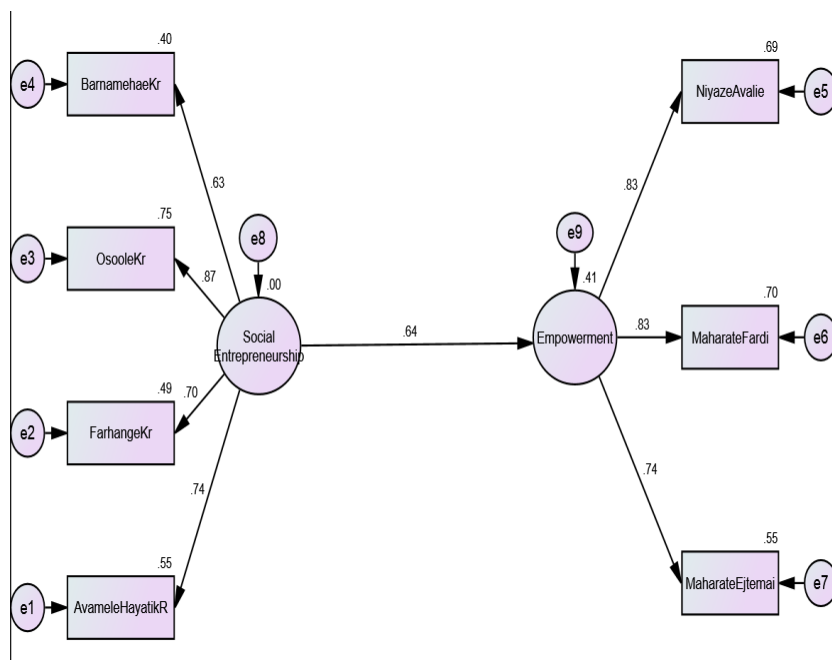
جدول ۳ - بررسی توزیع داده‌ها برای متغیرهای تحقیق

نتیجه آزمون	سطح معناداری (sig)	مقدار آماره Z	تعداد داده‌ها	متغیر
توزیع نرمال است	۰.۰۹۹	۱.۰۹۸	۱۸۰	وجود برنامه‌های کارآفرینانه
توزیع نرمال است	۰.۰۸۷	۱.۲۴۶	۱۸۰	اصول اساسی کارآفرینی اجتماعی
توزیع نرمال است	۰.۰۹۵	۱.۱۶۷	۱۸۰	فرهنگ سازمانی کارآفرینانه
توزیع نرمال است	۰.۰۹۳	۱.۱۸۵	۱۸۰	عوامل حیاتی موفقیت در کارآفرینی اجتماعی
توزیع نرمال است	۰.۲۱۶	۰.۴۵۱	۱۸۰	متغیر کارآفرینی اجتماعی
توزیع نرمال است	۰.۱۷۹	۰.۸۶۷	۱۸۰	متغیر توانمندسازی کودکان کار و خیابان
توزیع نرمال است	۰.۲۵۶	۰.۴۳۷	۱۸۰	کل پرسشنامه

با توجه به جدول (۳)، از آنجا که سطح معنی‌داری آزمون نرمال بودن توزیع داده‌های متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ و مقدار آمار آزمون کمتر از ۱/۹۶ است؛ بنابراین فرض صفر را رد نکرده و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای فوق نرمال می‌باشند. بنابراین برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های پارامتریک و از روش حداکثر درست‌نمایی در مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده خواهد شد.

یافته‌های فرضیه‌های پژوهش

جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده گردید. به این منظور پس از تدوین مدل ساختاری مربوط به روابط بین متغیرهای پژوهش، با استفاده از نرم‌افزار Amos 21 مدل طراحی شده مورد آزمون قرار گرفت. مدل معادلات ساختاری نهایی پژوهش در شکل (۲) ارائه گردیده است.



شکل ۲- نمودار ضرایب حاصل از محاسبه معادلات ساختاری

همچنین شاخص‌های برازش کلی حاصل از مدل معادلات ساختاری نهایی پژوهش در جدول (۳) آورده شده است که همگی دارای برازش مناسب می‌باشند.

جدول ۴- شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری نهایی پژوهش

GFI	RMR	CMIN	CFI	RMSEA	P	X ² /df	مدل ساختاری
>۰/۹	<۰/۰۵	---	>۰/۹	<۰/۰۷	<۰/۰۵	<۳	قابل قبول
۰/۹۱۹	۰/۰۳۱	۳۶/۳۳۸	۰/۹۳۱	۰/۰۵۸	۰/۰۰۱	۲/۷۹۵	مدل نهایی

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که شاخص‌های کلی برازش مدل ساختاری پژوهش در سطح قابل قبول بر طبق محاسبات هیر (۱۹۹۳) است که بیانگر آن است که مدل از اعتبار بالایی برای سنجش روابط بین متغیرها برخوردار است. در ادامه با توجه به اینکه مدل ساختاری پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است، به بررسی فرضیه‌ها با استفاده از ضرایب رگرسیونی، مقادیر بحرانی و سطح معناداری در جدول (۴) پرداخته می‌شود.

جدول ۵- بررسی فرضیه‌های پژوهش

نتیجه	مقدار بحرانی	سطح معناداری	ضریب رگرسیونی	فرضیه‌ها
تأیید فرضیه	5.405	.000	.642	کارآفرینی اجتماعی --- < توانمندسازی کودکان کار-خیابان
تأیید فرضیه	6.131	.018	.691	برنامه‌های کارآفرینانه --- < توانمندسازی کودکان کار-خیابان
تأیید فرضیه	8.061	.008	.831	اصول اساسی کارآفرینی اجتماعی -- < توانمندسازی کودکان کار-خیابان
تأیید فرضیه	6.822	.009	.718	فرهنگ سازمانی کارآفرینانه --- < توانمندسازی کودکان کار-خیابان
تأیید فرضیه	7.012	.010	.734	عوامل موفقیت کارآفرینی اجتماعی -- < توانمندسازی کودکان کار-خیابان

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش در جدول (۵) ارائه گردیده است. یافته‌های مربوط به فرضیه اول با توجه به ضریب رگرسیونی (۰/۶۴۲) در رابطه بین متغیرها نشان می‌دهد که، کارآفرینی اجتماعی مددکاران اجتماعی ستادهای توانمندسازی

به شکل مستقیم بر توانمندسازی کودکان کار و خیابان تأثیر معناداری دارد. به عبارت دیگر پیاده‌سازی دقیق اصول اساسی کارآفرینی اجتماعی در ستادهای مذکور، در حد قابل توجهی موفقیت در توانمندسازی کودکان کار و خیابان را افزایش می‌دهد. بررسی تحقیقات پیشین سازگاری یافته‌های این پژوهش با نتایج بدست آمده در تحقیقات اشمیتز (۲۰۱۵)، کاسا کیده (۲۰۱۵) و اسدی و همکاران (۱۳۹۰) دارد. در واقع یکی از اقدام‌های اثرگذار برای رفع معضلات اجتماعی و از جمله کودکان خیابانی، به کارگیری فعالیت‌های کارآفرینانه‌ی اجتماعی در جامعه است.

در عین حال یافته‌های مربوط به آزمون فرضیه فرعی اول با توجه به ضریب رگرسیون (۰/۶۹۱) در رابطه بین متغیرها نشان می‌دهد که، وجود برنامه‌های کارآفرینانه اجتماعی در ستادهای توانمندسازی و سازمان‌های مردم نهاد بر توانمندسازی کودکان کار و خیابان تأثیر غیرمستقیم معناداری دارد. به عبارت دیگر طراحی و پیاده‌سازی برنامه‌های کارآفرینانه اجتماعی در ستادهای مذکور، در حد قابل توجهی موفقیت در توانمندسازی کودکان کار و خیابان را افزایش می‌دهد. یافته‌های استخراج شده از این فرضیه با نتایج پژوهش‌های تحقیقات براگا و همکاران (۲۰۱۴) و اسفندیاری (۱۳۹۲) سازگاری دارد.

همچنین یافته‌های مربوط به آزمون فرضیه فرعی دوم با توجه به ضریب رگرسیون (۰/۸۳۱) در رابطه بین متغیرها نشان می‌دهد که، بکارگیری اصول اساسی کارآفرینی اجتماعی در ستادهای توانمندسازی و سازمان‌های مردم نهاد بر توانمندسازی کودکان کار و خیابان تأثیر غیرمستقیم معنادار بالایی دارد. به عبارت دیگر رعایت دقیق اصول اساسی کارآفرینی اجتماعی در ستادهای مذکور، در حد قابل توجهی موفقیت در توانمندسازی کودکان کار و خیابان را افزایش می‌دهد. یعنی اگر سازمان‌ها اصول و معیارهایی را برای کارآفرینی اجتماعی تعریف نموده و در مسیر اجرای آنان تعهد لازم را از خود نشان دهند باعث می‌گردد که بسیاری از مشکلات و چالش‌ها در سطوح اجتماعی که گریبان‌گیر افراد در سازمان‌ها می‌شود حل گردد. یافته‌های این بخش با نتایج پژوهش‌های تحقیقات فلیکو و همکاران (۲۰۱۳) و سجاسی (۱۳۹۱) سازگاری دارد.

همچنین یافته‌های مربوط به آزمون فرضیه فرعی سوم با توجه به ضریب رگرسیونی (۰/۷۱۸) در رابطه بین متغیرها نشان می‌دهد که، وجود فرهنگ سازمانی کارآفرینانه اجتماعی در ستادهای توانمندسازی و سازمان‌های مردم نهاد بر توانمندسازی کودکان کار و خیابان تأثیر غیرمستقیم معناداری دارد. به عبارت دیگر گسترش فرهنگ سازمانی کارآفرینانه اجتماعی در ستادهای مذکور، در حد قابل توجهی موفقیت در توانمندسازی کودکان کار و خیابان را افزایش می‌دهد. در واقع یکی از اقدام‌های اثرگذار برای رفع معضلات اجتماعی و از جمله کودکان خیابانی، به کارگیری فرهنگ کارآفرینانه‌ی اجتماعی در جامعه است. یافته‌های این بخش با نتایج پژوهش‌های تحقیقات اشمیتز (۲۰۱۵)، کاسا کبده (۲۰۱۵) و اسدی و همکاران (۱۳۹۰) سازگاری دارد.

همچنین یافته‌های مربوط به آزمون فرضیه فرعی چهارم با توجه به ضریب رگرسیونی (۰/۷۳۴) در رابطه بین متغیرها نشان می‌دهد که، عوامل حیاتی موفقیت کارآفرینی اجتماعی در ستادهای توانمندسازی و سازمان‌های مردم نهاد بر توانمندسازی کودکان کار و خیابان تأثیر غیرمستقیم معناداری دارد. به عبارت دیگر استفاده از عوامل حیاتی موفقیت کارآفرینی اجتماعی در ستادهای مذکور، در حد قابل توجهی موفقیت در توانمندسازی کودکان کار و خیابان را افزایش می‌دهد. بطورکلی یافته‌های این بخش با نتایج بدست آمده در تحقیقات براگا و همکاران (۲۰۱۴) و اسفندیاری (۱۳۹۲) سازگاری دارد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

پدیده کودکان خیابانی، مسئله‌ای زیستی - روانی و اجتماعی است که نه تنها به کودکان آسیب می‌رساند، بلکه سلامت جامعه را نیز به مخاطره می‌اندازد. در راستای توسعه سیاست‌ها و برنامه‌های سلامت کودکان در کشور، شناخت چالش‌ها در طراحی بهینه برنامه‌ها و ارائه خدمات متناسب یک ضرورت است. (علی رمضانخانی و همکاران، ۱۳۹۵). درک مشترک از وضعیت فعلی جامعه ما این واقعیت را برای نویسندگان بازگو نمود که به سبب بروز پاره‌ای از مسایل و نابسامانی‌های اجتماعی هم چون فقر، حاشیه‌نشینی، نابرابری‌های اجتماعی، مهاجرت، اعتیاد، طلاق، بی‌سرپرستی و بد سرپرستی و غیره،

برخی از کودکان از امکان ادامه روند رشد طبیعی و زندگی باز مانده و به ناچار در شهرهای بزرگ و مکان‌های پرتردد به کار در خیابان رو آورده‌اند. این سبک زندگی، آنان را در معرض مخاطرات بسیاری چون سوء تغذیه، محرومیت از تحصیل، محرومیت از بهداشت و سلامت، استثمار، سوء تغذیه و مرگ قرار داده و از طرفی جامعه را نیز دچار آسیب‌های اجتماعی کرده است. از این‌رو در راستای مهار مخاطرات فردی و اجتماعی این پدیده نوظهور در پژوهش حاضر تلاش شد تا به بررسی عوامل مؤثر در توانمندسازی کودکان کار و خیابان از جمله کارآفرینی اجتماعی در رابطه با موضوع مورد بحث پرداخته شود. به این منظور با بررسی پیشینه‌ها و مبانی نظری موجود در رابطه با متغیرها، به ارائه مدل مفهومی و تبیین فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد.

بطورکلی تحلیل یافته‌های بدست آمده در بخش قبلی این نکته را یادآور می‌سازد، توانمندسازی کودکان کار و خیابان در سازمان‌های مردم‌نهاد و ستادهای توانمندساز تا حدود زیادی در گرو عملکرد موفقیت‌آمیز سازمان‌های مذکور در بروز رفتارهای کارآفرینانه اجتماعی می‌باشد. بطور کلی نتایج فرضیه‌های پژوهش مشخص کرد در سازمانی که مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی از قبیل طراحی و پیاده‌سازی برنامه‌های کارآفرینانه اجتماعی، بکارگیری اصول اساسی کارآفرینی اجتماعی، اجرای فرهنگ سازمانی کارآفرینانه و توجه به عوامل حیاتی موفقیت در کارآفرینی اجتماعی مورد توجه قرار گیرد، شرایط لازم برای مشارکت افراد بشکل جمعی در راستای معضلات اجتماعی کارکنان بشکل عام و توانمندسازی کودکان کار و خیابان بصورت خاص فراهم می‌گردد. بطورکلی یافته‌های این پژوهش با نتایج بدست آمده در تحقیقات اشمیتز (۲۰۱۵)، کاسا کبده (۲۰۱۵) و اسدی و همکاران (۱۳۹۰) سازگاری دارد. اشمیتز (۲۰۱۵) و کاسا کبده (۲۰۱۵) در پژوهش خود به نقش فرهنگ کارآفرینانه اجتماعی در اجرای موفقیت‌آمیز ماموریت‌های اجتماعی تأکید داشته‌اند. آنان براین باورند که پیاده‌سازی فرهنگ کارآفرینی اجتماعی در ابعاد گسترده در سازمان‌ها و بویژه سازمان‌های مردم‌نهاد باعث از بین بردن چالش‌ها و مسائل اجتماعی از جمله فقر و مسئله کودکان کار و خیابان می‌گردد. همچنین اسدی و همکاران (۱۳۹۰) نیز در مطالعات خود معتقدند یکی از

اقدام‌های اثرگذار برای رفع معضلات اجتماعی و از جمله کودکان خیابانی، به کارگیری فرهنگ کارآفرینانه‌ی اجتماعی در جامعه است. بنابراین بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در تحقیقات گذشته و همچنین نتایج پژوهش حاضر به نظر می‌رسد که پیاده‌سازی فرهنگ سازمانی کارآفرینانه اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد و ستادهای توانمندسازی، در حد قابل توجهی به توانمندسازی کودکان کار و خیابان کمک می‌نماید. در ادامه پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

الف) پیشنهادات اجرایی مبتنی بر یافته‌های پژوهش

نگاهی کوتاه به نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش در بخش قبلی نشان می‌دهد که توانمندسازی کودکان کار و خیابان در سازمان‌های مردم‌نهاد و ستادهای توانمندساز تا حدود زیادی در گرو عملکرد موفقیت‌آمیز سازمان‌های مذکور در بروز رفتارهای کارآفرینانه اجتماعی می‌باشد. بطور کلی نتایج فرضیه‌های پژوهش مشخص کرد در سازمانی که مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی از قبیل طراحی و پیاده‌سازی برنامه‌های کارآفرینانه اجتماعی، بکارگیری اصول اساسی کارآفرینی اجتماعی، اجرای فرهنگ سازمانی کارآفرینانه و توجه به عوامل حیاتی موفقیت در کارآفرینی اجتماعی مورد توجه قرار گیرد، شرایط لازم برای مشارکت افراد بشکل جمعی در راستای معضلات اجتماعی کارکنان بشکل عام و توانمندسازی کودکان کار و خیابان بصورت خاص فراهم می‌گردد. در این راستا پیشنهادهایی کاربردی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱- یکی از مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی مؤثر در توانمندسازی کودکان کار و خیابان در ستادهای مذکور، طراحی و پیاده‌سازی برنامه‌های کارآفرینانه اجتماعی بشکل مدون و عملیاتی در سازمان است. در این رابطه پیشنهاد می‌گردد اقداماتی بدین شرح در ستادهای مذکور انجام شود؛ الف) مأموریت و رسالت سازمانی کلیه ستادهای توانمندسازی بر اساس شاخص‌های مرتبط با کارآفرینی اجتماعی بازنگری و اصلاح گردند. ب) در شیوه‌های کاری و فعالیت‌های معمول سازمانی برای بهبود کارآفرینی اجتماعی تجدید نظرهای جدی صورت گیرد. پ) راهبردها و برنامه‌های اجرایی

اثربخشی برای بهبود وضعیت ستادهای توانمندسازی طراحی گردد و ت) روش‌های قدیمی در راستای بکارگیری فرایندها و شیوه‌های نو و کارآفرینانه در ستادهای توانمندسازی مورد بازنگری قرار گیرند.

۲- از جمله مؤلفه‌های مؤثر دیگر در توانمندسازی کودکان کار و خیابان در ستادهای مذکور، پایبندی به اصول اساسی کارآفرینی اجتماعی و رعایت آن بشکل جدی است. در این رابطه پیشنهاد می‌گردد اقداماتی بدین شرح در ستادهای مذکور انجام شود؛ الف) در ستادهای توانمندسازی کلیه ایده‌پردازی‌ها مبتنی بر رسالت سازمان و مزیت‌های محوری جامعه صورت گیرند. ب) به تجربه کارکنان، ذینفعان کلیدی و خرد جمعی ارزش داده شود. پ) دیدکوتاه مدت کنار گذاشته شده و ظرفیت‌سازی بلند مدت مدنظر قرار گیرد و ت) از سود به عنوان ابزاری جهت تکمیل رسالت سازمان استفاده شود نه اینکه به عنوان محور عمل سازمان قرار گیرد.

۳- وجود فرهنگ سازمانی کارآفرینانه اجتماعی یکی دیگر از مؤلفه‌های مؤثر در توانمندسازی کودکان کار و خیابان در ستادهای مذکور می‌باشد. در این رابطه پیشنهاد می‌گردد اقداماتی بدین شرح در ستادهای مذکور انجام شود؛ الف) در ستادهای توانمندسازی مدیریت از سیستم‌های کنترلی باز و کارکنان توانمند جهت دستیابی به اهداف سازمان استفاده نماید. ب) ریسک‌پذیر به عنوان یک ارزش سازمانی نهادینه گردد و کارکنان به پذیرش خطرهای منطقی و معقولانه ترغیب گردند. پ) به نوآوری و ایده‌پردازی به عنوان مؤلفه‌های ارزشی در سازمان توجه ویژه گردد. ت) سیستم‌های پاداش و مزایای اثربخش برای پشتیبانی از طرح‌های نوآورانه و کارآفرینانه اجتماعی طراحی و در سازمان بشکل دقیق پیاده‌سازی گردند. ث) مؤلفه‌های فرهنگ کارآفرینانه اجتماعی به عنوان معیارهای ارزیابی کارکنان و مدیران سازمان در سیستم جامع ارزیابی عملکرد قرار داده شوند.

۴- توجه به عوامل حیاتی موفقیت در کارآفرینی اجتماعی معیار مؤثر دیگری در توانمندسازی کودکان کار و خیابان در ستادهای مذکور می‌باشد. در این رابطه پیشنهاد

می‌گردد اقداماتی بدین شرح در ستادهای مذکور انجام شود؛ الف) به عوامل چون صداقت، دل‌بستگی بین افراد در ستادهای توانمندساز و همچنین روشن بودن هدف برای کلیه افراد سازمان به عنوان شاخص‌های حیاتی موثر در موفقیت کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های مذکور توجه ویژه گردد. ب) کلیه کارکنان به ارزش‌های فکری حاکم در سازمان پایبند بوده و قدردان سرمایه‌های فکری موجود در سازمان باشند. پ) انعطاف‌پذیری در امور، ریسک‌پذیری و اهل عمل بودن از ویژگی‌های بارز کارکنان ستادهای توانمندسازی گردد. در این خصوص توصیه می‌گردد به معیارهای بیان شده به عنوان امور ارزشی در سازمان توجه شود.

ب) پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی

- در پایان برای انجام تحقیقات آتی موارد زیر به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود:
- تدوین الگوی توانمندسازی کودکان کار و خیابان با رویکرد نظریه داده بنیاد در ستادهای توانمندسازی ایران؛
 - ارائه مدل بهینه کارآفرینی اجتماعی بر اساس میزان تأثیرگذاری بر توانمندسازی کودکان کار و خیابان با روش شبکه سیستم‌های عصبی؛
 - شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر در توانمندسازی کودکان کار و خیابان بر اساس روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره؛
 - بررسی اثر تعدیل‌گری فرهنگ سازمانی در رابطه بین کارآفرینی اجتماعی و توانمندسازی کودکان کار و خیابان در سازمان‌های مردم‌نهاد؛
 - بررسی اثر تعدیل‌گری ساختار سازمانی در رابطه بین کارآفرینی اجتماعی و توانمندسازی کودکان کار و خیابان در سازمان‌های مردم‌نهاد.

منابع

- ابطحی، س ح، شریف زاده، ف، ابراهیم پور، ح. ۱۳۸۹. «بررسی مفاهیم، نظریه‌ها و مدل‌های کارآفرینی اجتماعی و ارائه مدل مفهومی»، مدیریت فرهنگ سازمانی، ۸(۲۱)، صص ۸۷-۱۱۲.
- اسدی، م، رضوی، س م، فراستخواه، م. ۱۳۹۰. «الگوی کارآفرینی اجتماعی در ساماندهی

- کودکان خیابانی»، توسعه کارآفرینی، ۳(۱۲)، صص ۶۸-۸۳
- اسفندیاری، س. ۱۳۹۲. «کارکرد کارآفرینی اجتماعی در توانمندسازی و بهسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده مدیریت و حسابداری.
- حسینی، ح. ۱۳۹۱. «وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران»، فصل نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۵(۱۹) صص. ۱۵۵-۱۷۳.
- حسینی، ح. ۱۳۸۵. کودکان کار و خیابان: سلسله مطالعات در زمینه آسیب شناسی اجتماعی. تهران: سلمان.
- رمضانخانی، علی. یزدخواستی، منصوره، عبدی، فاطمه (۱۳۹۵) سیاست گذاری سلامت کودکان خیابانی: چالش‌ها و راهکارها"
- رضائی، ر، صفا، ل، صفری، پ. ۱۳۹۱. «بررسی مولفه‌های کارآفرینی اجتماعی در تعاونیهای توسعه روستایی شهرستان زنجان بر مبنای مدل معادلات ساختاری (مورد مطالعه: تعاونی نیک پی)»، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان.
- زندی مهر، ع. ۱۳۸۰. بررسی آسیب‌شناسی کودکان و نوجوانان خیابانی در تهران، دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- سجاسی، م. ۱۳۹۱. «بررسی تاثیر کارآفرینی اجتماعی بر کیفیت زندگی: مطالعه موردی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش موسسه ی مهرآفرین پناه عصر»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- شکوری، علی. "تحول پارادایمی در توسعه روستایی". تهران: نشر قانون، ۱۳۹۳.
- قنبری، ا. ۱۳۹۳. «بررسی مولفه‌های اثرگذار بر کارآفرینی زنان روستایی» پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- کمانکش، ا. ۱۳۹۳. «عوامل موثر بر کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های ورزشی استان مرکزی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اراک، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- گروه توانمندسازی، آموزش، طرح و برنامه. ۱۳۹۰، «درآمدی بر اصول، قوانین و مقررات سازمان‌های مردم نهاد»، مرکز امور اجتماعی و فرهنگی معاونت سازمان‌های مردم نهاد.
- مرجانی، ت، صدیقی، سید ص. ۱۳۹۳، «توسعه کارآفرینی اجتماعی: آسیب‌ها، عوامل موثر و راه

- کارها»، مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱۲(۲)، صص ۲۷۷-۲۹۷.
- مقیمی، س. م. ۱۳۸۸. «کارآفرینی در نهادهای جامعه مدنی»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ملکی، ز. ۱۳۹۲. «بررسی کارآفرینی اجتماعی دانشجویان کشاورزی با تاکید بر سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: دانشجویان کارشناسی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی استان کرمانشاه)»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، دانشکده کشاورزی.
- وامقی، م. ۱۳۸۴. کودکان خیابانی ایران و رویکرد دولتی، فصلنامه علمی و پژوهش رفاه اجتماعی. شماره ۱۹.
- Ahmad Bhat, Shoiab, Arshad, Md. and Qadir, Mudasar, (2014), Street children and their concerns: a sociological study of Srinagar District of Jammu and Kashmir. *International Journal of Current Research*,6(3), pp.5847-5852
- Ataöv, Anlı& Haider, Jawaid. (2006). From Participation to Empowerment: Critical Reflections on a Participatory Action Research Project with Street Children in Turkey. *Children, Youth and Environments* 16(2).
- Braga, J. C., Proenca, T. & Ferreira, M.R.,(2014). Motivations for social entrepreneurship- Evidences from Portugal. *Tékhne*, 12(1): 11-21.
- Felico, J. Augusto, Goncalves, Helena, M., and Goncalves Vitor da Conceicao, (2013), Social value and organizational performance in non-profit social organizations: Social entrepreneurship, leadership, and socioeconomic context effects, *Journal of Business Research*, 66(10), pp. 2139-2146.
- Guclu, Ayse & Dees, J. Gregory. (2002). *The Process of Social Entrepreneurship: Creating Opportunities Worthy of Serious Pursuit*, by the Fuqua School of Business.
- Gutierrez, P. (1998) *Empowerment in social work practice*, London: brooks: Cole Publishing Company.
- Janssens, W.(2010). Women's Empowerment and the Creation of Social Capital in Indian Villages. *World Development*, 38(7): 974-988.
- Kassa Kebede, S. (2015). The situation of street children in urban centers of Ethiopia and the role of NGO in addressing their socio-economic

- problems: The case of Hawassa city. *International Journal of Academic Research in Education and Review*, 3(3): 45-57.
- Lanfredi, M., Zoppei, S., Ferrari, C., Bonetto, C., Van Bortel, T., Thornicroft, G., Knifton, L., Quinn, N., Rossi, G., Lasalvia, A. (2015). Self-stigma as a mediator between social capital and empowerment among people with major depressive disorder in Europe: *The ASPEN study, European Psychiatry*, 30(1): 58–64.
 - Lin, F. (2015). Promoting access to education for working children and street children, TAS Model United Nations: 1-5.
 - Lewis, Andrew, (2003), Non- Government Organizational Tool Assessment Social Entrepreneurship, University of Wisconsin extension.
 - Majkowski, A.(2010). Comparative case study on the role of social capital in a community economic development social entrepreneurship (CEDSE). George Washington University, Doctor of Education Dissertation.
 - Malhatra, S., R. Schuler and C. Boender (2002) "Measuring womens empowerment as a variable in International development", <http://sitere.sources.worldbank.org>.
 - Martin, L.; Osberg, S. (2007). "Social Entrepreneurship: The Case for Definition". *Stanford Social Innovation Review*, Spring, 28-39
 - Mazumdar, M., & Ahmed, M. (2015). Empowerment of rural woman through entrepreneurship an Overview, *International Research Journal of Interdisciplinary & Multidisciplinary Studies*, 1(1): 165-172.
 - Nelson, Russell. (2000). The application of empowerment theory to street children of the developing world. Thesis of master of art. The university of British Columbia.
 - Schmitz, B.(2015). Social entrepreneurship, social innovation and social mission organization, toward a conceptualization, *Sage publication*: 17-42.
 - Weerawardena, J. and Mort, G.S. (2006), Investigating social entrepreneurship: a multidimensional model, *Journal of World Business*, Vol. 41, pp. 21-35.
 - Weerawardena, J.& Mort G. S. (2006). Investigating social entrepreneurship: a multidimensional model, *journal of world business*, 41: 21-35.